

## جنگ صلیبی وحشی در غزه به فرماندهی امریکا و آجندایی یهود؛ افشاکننده پنج حقیقت به مسلمانان

(ترجمه)

جنگی که رژیم اشغالگر یهود با تمام خشونت و بی‌رحمی در فلسطین بالای غزه به راه‌انداخته در تاریخ بشریت بی‌نظیر است. این جنگ با چراغ سبز دولت تروریستی امریکا شروع شد. یعنی دولت اول جهان حامی این جنگ است؛ دولتی که همواره شعار حقوق بشر را به دروغ سر داده و با تمام عصبانیت - که قبلاً سابقه‌ای نداشته - در کنار رژیم یهود ایستاده و حمایت خود را از آن اعلام کرده است. این جنگ صلیبی وحشی که سیاست آتشین را روی دست گرفته است، کشتزارها و انسان‌ها را هلاک کرد. تمام نیروهای نظامی یهود بر مردم ملکی و بی‌طرف در مدارس/مکاتب، بیمارستان‌ها/شفابخانه‌ها و خانه‌ها با کینه درونی و با تمام سخت‌دلی حتی فراتر از سختی آهن مسلط شدند تا شکست معنوی را که از سوی مجاهدین قهرمان در طوفان اقصی به آن‌ها رسیده بود، سرپوش بزنند. این جنگ پنج حقیقت را برای مسلمانان آشکار ساخت:

**حقیقت اول) امت اسلامی، امت واحد و یکپارچه است:** جنگ غزه، به شکل بسیار شفاف نمایان ساخت که امت اسلامی مانند قلب در بدن، یک امت واحد و یکپارچه است. امت اسلامی به پیکری می‌ماند که وقت عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا با تب و بی‌خوابی آن را همراهی می‌کنند. تمام امت شوق و اشتیاق دارند تا در کنار برادران‌شان در غزه جهاد و مبارزه کنند و تنها مانع‌شان، همان قید و بندهای حکام مزدوری است که در صف کفار و منافقان موقوف گرفته و ارتش‌های امت را نگذاشتند که اهل خود را در فلسطین نصرت دهند. لذا، امت اسلامی با وجود تفرقه‌اندازی‌های کفار استعمارگر توسط کشورهای بی‌کفایتی که نتیجه سایکس-پیکو است و با وجود شعله‌ور ساختن جنگ‌های داخلی بیهوده در میانش باز هم یک امت واحد است و عنقریب که تلاش‌ها و کارکردهای‌شان خاتمه یابد؛ زیرا ستاره آن غروب و ترسش نمایان گشته و نفس‌های اخیرش را می‌کشند.

**حقیقت دوم) خیانت حکام به قضایای مسلمانان:** خیانت حکام به قضایای مسلمانان برای هر فردی که از عقل سلیم برخوردار است، معروف و شناخته شده است. این حکام حتی یک قضیه امت را از زمانی که به تاج و تخت رسیده‌اند، یاری نرساندند و برای نصرت فلسطین و امثال آن، هم‌چو عراق، افغانستان، چیچن، کوسوفا، جنوب سودان، کشمیر، قبرص، برما و اراکان... حتی یک ارتش را تحریک نکردند...

بوی خیانت این حکام به اسلام و مسلمانان و به قضایای سرنوشت‌ساز، زکام‌ساز شده و جنگ صلیبی وحشی بر غزه و اهل آن، بر وضاحت این خیانت افزوده و حتی نقاب از چهره کسانی که تظاهر به حمایت از غزه می‌کردند، برداشت و آن‌ها بسان دیگران، در خیانت به فلسطین و اهل آن بطور یکسان شریک هستند. بنابر این، می‌توان گفت که حکام امروزی دو گونه‌اند:

1. حکامی که بوی خیانت‌شان آشکار شده و در چهره‌شان قطره‌ای از شرم و حیاء باقی نمانده است، حتی آن‌ها به صراحت با زبان حال یا مقال بیان داشته‌اند که ما در صف دشمنان امت اسلامی هستیم؛ مانند مصر، امارات و غیر آن‌ها. این دسته از حکام، جزء حفاظ امنیتی یهود بوده که در برابر غضب امت و تحرک ارتش‌های آن، از یهود حمایت می‌کنند.

2. دسته دوم از حکام، همان منافقانی اند که خلاف واقعیت‌شان با امت تعامل کرده و به دروغ تظاهر می‌کنند که آن‌ها در کنار فلسطین هستند و بیانیه‌های مطبوعاتی ظاهراً زیبا ارائه کرده و راهپیمایی‌ها و تظاهراتی را برای مکیدن غضب امت اسلامی راه‌اندازی می‌کنند، از ترس این‌که مبدا علیه‌شان قیام کنند و تاج و تخت‌شان را سرنگون کنند؛ مانند اردوغان که راهپیمایی بزرگ فلسطین را سازماندهی کرد و بالای دوستان یهودی خود حتی یک مرمی را فیر نکرد. این درحالیست که هزاران مسلمان را برای خدمت به سرور خود امریکا به قتل رساند. اردوغان در مدار امریکا بوده و صدها تن از مسلمانان را در افغانستان در زمان حاکمیت خود در ترکیه و در زمانی که عضو ناتوی بود که با اسلام و مسلمانان می‌جنگید، به قتل رساند. هم‌چنان اردوغان هزاران مسلمان را در عراق، سوریه و لیبیا برای خدمت به امریکایی که جنگ با آنان را نیابت به وی سپرد، به قتل رساند. واقعیت ایران و احزاب آن در لبنان، عراق و یمن نیز همین‌گونه است؛ هرگز از آن‌ها جز قلقله زبانی چیزی بیش ندیده‌ایم! حوثی‌ها، موشک‌های‌شان را برای جلب رضایت سرورشان امریکا پرتاب می‌کنند تا محبوبیت فروپاشی خود را در زمان آتش‌بس با عربستان که انقلاب علیه آنان در افق پیش‌بینی است، بالا ببرند. حوثی‌ها با پرتاب این موشک‌ها فاصله میان خود و انقلاب را که خیلی به هم نزدیک بودند تا مدتی فاصله انداختند.

**حقیقت سوم) قیادت و رهبریت اسلامی (خلافت) واحد است:** جنگ غزه واضح ساخت که حکام به امت اسلامی پشت کرده و تقریباً غیرممکن است که آنان برای نجات دادن مردم فلسطین از جنگ صلیبی وحشی و جنایت‌کار، ارتش‌ها را تحریک کنند. دیگر این‌که امت اسلامی امروزه به یک رهبری که از آنان دفاع کند و تجاوز دشمنان را پاسخ دهد، سخت نیازمند بوده و لازم است که این رهبری، یک رهبری اسلامی باشد، نه ملی و قومی.

این رهبری اسلامی که مسلمانان را جمع و ارتش‌ها را برای نصرت فلسطین و امثال آن حرکت داده و آن‌ها را کاملاً آزاد و به دیار مسلمانان باز می‌گرداند، خلافت راشد بوده که به شریعت الله حکم و آنچه را که الله سبحانه و تعالی نازل کرده تطبیق و همه مردم را از تاریکی‌های سرمایه‌داری و فسادش بسوی نور اسلام و عدالتش بیرون می‌گرداند و از مسلمانان و مقدسات‌شان در برابر کفار استعمارگر حمایت و حفاظت می‌کند.

**حقیقت چهارم) هیچ قدرتی در روی زمین در برابر قدرت مسلمانان ایستاده نمی‌تواند:** جنگ غزه به شکل بسیار روشنی واضح ساخت که امت اسلامی از قدرتی برخوردار است که هیچ قدرتی در روی زمین نمی‌تواند در برابرش بایستد به شرط این‌که قیادت و فرماندهی آن از جنس خودش باشد؛ نه از جنس دشمنان. گروهی از مسلمانان در فلسطین بر یک مساحت کوچکی که در نقشه درست دیده نمی‌شود، در عملیات طوفان اقصی کاری کردند که رژیم یهود را به وحشت انداخت که واکنش آن علیه مردم ملکی و بی‌طرف بسیار خشونت‌آمیز بود تا که شکست معنوی و ترس شدیدش را سرپوش بزنند. وی گمان برد که در ایام کمی می‌تواند غزه را نابود و تحت تصرف‌اش قرار دهد و مردمش را به بیرون از فلسطین آواره کند؛ اما ثبات مجاهدین و کشته شدن هرکسی که برای حمله به غزه پیش آمده است، ترس یهود را افزوده و افشاء گشت که رژیم‌شان سست و بی‌بنیاد بوده و برای شکست آن کافی است که یک ارتش روانه فلسطین شود و یهودیان را ذلیلانه و حقیرانه از آنجا بیرون راند. پس چگونه خواهد بود اگر برای مسلمانان رهبری واحد باشد و آنان را جمع کرده و تمام توانایی‌ها و نیروهای‌شان را به کار گیرد؟! بدون شک که هر قدرتی در روی زمین هر قدر هم قدرت داشته باشد و هر اندازه که از اسلحه و ارتش‌ها و توانایی‌ها برخوردار باشد، شکست خواهد خورد.

طوفان اقصی، باطل بودن مقوله شکست‌ناپذیر بودن یهود را ثابت ساخت و این که امریکا در پشت‌اش با تمام عصبانیت ایستاده، ترس و وحشت آن را فاش کرد و امریکا، پلنگ کاغذی بیش نیست و هرگز نمی‌تواند در برابر رهبری واحد اسلامی (خلافت) ایستاد شود؛ بلکه شکست آن با تمام هم‌پیمانان آن ممکن بوده و گرفتن مقام پیش‌تازی از آن غیرممکن نیست.

تسلط امریکا بر منابع قدرت نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای برای آن یک شکل هیبت‌غیرواقعی داده است؛ اما با وجود دولت واحد اسلامی (خلافت) حجم واقعی امریکا معلوم خواهد گشت، چه برسد به دولت‌های استعماری غیر آن.

**حقیقت پنجم) رژیم یهود سست و بی‌بنیاد بوده و شکست آن و هر دولتی که دولت‌های بزرگ پشت سر آن است، ممکن است:** طوفان اقصی که رژیم یهود را هراسان گردانید، به مسلمانان ثابت ساخت که آن یک رژیم سست‌عنصر و ضعیف بوده که هر قدر قدرت هم داشته باشد از مبارزه زمینی می‌ترسد. این همان چیزی است که حسابات را معکوس می‌گرداند و بدون شک که ارتش‌های مسلمانان به خواست الله سبحانه و تعالی می‌توانند که یهود را شکست دهند و آن‌ها را ذلیلانه و حقیرانه از فلسطین بیرون رانند؛ چنان که صلاح‌الدین قهرمان، صلیب‌یان را در فلسطین شکست داد و آنان را از آنجا ذلیلانه و حقیرانه بیرون راند. بنابر این تاریخ تکرار خواهد گشت. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ [حشر: 14]

**ترجمه:** یهودیان هرگز با شما به صورت دسته‌جمعی جز در پس دژهای محکم و یا از پشت دیوارها نمی‌جنگند. عداوت و دشمنی در میان خودشان شدت دارد. تو ایشان را متحد می‌بینی، ولی پراکنده دل بوده و هماهنگ نمی‌باشند. این بدان خاطر است که مردمان بی‌شعور و ناآگاهی هستند.

یقیناً آزادسازی فلسطین و امثال آن خیلی واضح بوده و راه آن، تحریک جیوش و بازگشایی جبهات مبارزه با یهود می‌باشد. پس بر شما لازم است که بالای حکام‌تان برای تحریک جیوش یا سرنگون کردن عروش فشار آورید و با حزب‌التحریر برای اقامه خلافت راشده دوم بر منهج نبوت کار و فعالیت کنید؛ زیرا این کوتاه‌ترین راه برای آزادسازی فلسطین و امثال آن می‌باشد.

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: 21]

**ترجمه:** الله بر کار خود چیره و مسلط است، ولی بیشتر مردم (خفایای حکمت و لطف تدبیرش را) نمی‌دانند.

برگرفته از شماره 474 جریده الرایه

نویسنده: استاد حاشد قاسم - ولایه یمن

مترجم: محمد مزمل